

گونه‌ها و روش‌های تفسیر امام علی (ع) در روایات تفسیری اهل سنت

حسین خاکپور*

احمد عابدی**

چکیده

آگاهی از روش معصومین، به‌خصوص امام علی (ع) به‌عنوان وارث علم پیامبر، ما را در استفاده صحیح و روشمند از قرآن رهنمون می‌سازد. ضرورت پرداختن به این موضوع وقتی دوچندان می‌نماید که بدانیم شمار شایان توجهی از روایات این امام همام در تفاسیر اهل سنت ذکر و به آن‌ها استناد شده است.

مقاله حاضر به روش توصیفی - کتابخانه‌ای ابتدا روایات تفسیری امام علی (ع) را از این مصادر استخراج و سپس گونه‌ها و روش‌های آن را بررسی کرده است و نتیجه می‌گیرد که امام در سخنان خود، بسته به ظرفیت و فضای حاکم، به روش‌های گوناگون روایی، لغوی، بیان مصداقی، تمثیلی و غیره قرآن را تبیین کرده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، روش‌ها، تفسیر، اهل سنت.

مقدمه

در آن روزگار، که عصر بیان بود و سخن، قرآن در قالبی بس زیبا و فصیح عرضه شد و علی (ع) در مقام فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین سخنگوی زمان به ترسیم و تصویر شگفتی‌ها و زیبایی‌های این کتاب آسمانی پرداخت. این امام همام در جایگاه مفسر و نگهبان معارف

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) dr.khakupur@yahoo.com

** دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.

تاریخ دریافت: 90/2/20، تاریخ پذیرش: 90/4/2

قرآن، این برنامه هدایت را به خوبی معرفی کرد تا قرآن‌مداران و جست‌وجوگران حقایق الهی، کتاب آسمانی خود را بشناسند.

علی (ع) قرآن را ریسمان محکم الهی، یادآور، و صراط مستقیم می‌داند که عجایب آن هیچ‌گاه فانی نشود و جویندگان از نوشیدن معارف آن سیراب نگردند. دریای عجایب آن پایانی ندارد و هیچ‌گاه رنگ کهنگی بر پیکر آن نساید (مراغی، 1998: 118/30؛ ابن کثیر، 1403: 462/2؛ ابن عطیه، 1992: 40/1؛ اسفراینی، 1375: 34/1).

امام بسته به شرایط و فضای حاکم با روش‌های گوناگون به تبیین معارف حقه قرآن می‌پرداختند که بخشی از آن‌ها در روایات تفسیری اهل سنت ذکر شده است. البته امام گاه در مقام مجادله و مخاصمه با کژبینان، اصحاب خود را از استدلال به آن برحذر می‌داشتند، زیرا قرآن، پذیرای وجوه مختلفی است (شوکانی، بی تا: 110/1؛ سیوطی، بی تا: 145/2).

بر همین اساس، نگارنده با تتبع در مصادر اهل سنت برخی از روش‌ها و گونه‌های تفسیری امیرالمؤمنین (ع) را استخراج و به خوانندگان عرضه می‌کند. لازم به یادآوری است که تتبع کامل در این باب، منوط به استخراج احادیث امامیه در موضوع گونه‌ها و روش‌های تفسیری امام علی (ع) از مصادر معتبر اهل سنت است و تتبع در این مصادر تنها بخشی از واقعیت را به ما عرضه می‌کند.

1. روش تفسیر قرآن به قرآن

مقصود از تفسیر قرآن به قرآن این است که هر آیه‌ای به کمک و استعانت از آیات دیگر تفسیر شود، زیرا برخی آیات مبین آیات دیگر هستند و به تفصیل معانی و محتوای دیگر آیات پرداخته‌اند. این شیوه هم‌زمان با نزول آیات آغاز شده و تاکنون ادامه یافته است (مؤدب، 1380: 173-174).

یکی از اسلوب‌های ویژه‌ای که امام علی (ع) برای آشکار کردن معانی و کشف حقایق و حیانی به کار برده‌اند، روش قرآن به قرآن است. قرآن، که بیان‌گر هر چیز است، قطعاً مبین خود نیز هست. همه دانشمندان بر آن‌اند که شریف‌ترین و بهترین انواع تفسیر، تفسیر مبتنی بر خود قرآن است، زیرا هیچ‌کس به مفاهیم کلام الهی از خداوند متعال آگاه‌تر نیست (علوی مهر، 1381: 68 و 168؛ ابن تیمیه، 1392: 93) لازم به ذکر است که صاحب‌المیزان این نوع تفسیر را شیوه مورد قبول قرآن و ائمه می‌داند (طباطبایی، 1393: 19/1).

امام علی (ع) گاه با کمک این روش و با کنار هم گذاشتن آیات، پیرامون یک موضوع حکم مستقلى را استخراج می‌کند. حدیث استخراج «اقل حمل» در مورد زنی که غمّر حکم به رجم آن کرده بود، از آن جمله است.

امام با توجه به آیه «والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین» (بقره: 233) و آیه «وحمله و فضاله ثلاثون شهرا» (احقاف: 15) «اقل حمل» را شش ماه دانسته به برائت زن حکم می‌دهد (مراغی، 1998: 186/2؛ قندوزی حنفی، 1422: 227/1؛ خوارزمی، بی‌تا: 98؛ طبری، 1408: 138-139؛ سیوطی، 1403: 7/441؛ قرطبی، 1405: 16/193؛ ابن کثیر، 1403: 6/141؛ الوهبه الزحیلی، 1991: 26/33؛ مالک، بی‌تا: 276؛ بیهقی، 1411: 4/442؛ عینی، 1399: 9/629).

امام علی (ع) ضمن بیانی وسیع‌ترین و امیدوارکننده‌ترین آیه در قرآن را آیه «قل یا عبادى الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً» (زمر: 53) می‌داند و در سخن دیگر، آن را با آیه «ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر ما دون ذلک» (نساء: 48) تفسیر و تبیین می‌کند (قرطبی، 1405: 16/30 و 10/225؛ ابن کثیر، 1403: 6/205؛ طبری، 1406: 16/26؛ شوکانی، بی‌تا: 4/542). شخص ممکن است با خواندن آیه اول گمان کند خداوند تمامی گناهان را می‌بخشد، اما امام با توجه به آیه بعد توضیح می‌دهد که این بخشش شامل گناه شرک نمی‌شود و در حقیقت آیه دوم مبین آیه اول است. روایت شده که شخصی از امام علی (ع) درباره کفاره حج، یعنی عملی که مستوجب قربانی کردن است، سؤال کرد که این قربانی از چیست (الهدی)؟ امام با توجه به آیه «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود أحلت لکم بهیمه الانعام» (مائده: 1) و آیه «و یدکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم من بهیمه الانعام» (الحج: 28) آن را به چهارپایان تبیین کرد و با استفاده از آیه «ثمانیة ازواج من الضأن اثنین و من المعز اثنین» (الانعام: 143) این قربانی را به گوسفند، بز، شتر، و گاو منحصر کرد و فرمود: برای عملت گوسفندی قربانی کن (سیوطی، 1403: 3/193).

در این روایت، امام برای آشکارشدن مطلب از سه آیه در تفسیر قربانی (الهدی) استفاده کرد و برای سؤال‌کننده تبیین کرد که منظور یکی از این حیوانات هشت‌گانه (ثمانیة ازواج) است.

این شیوه در جای‌جای کلام امام مشاهده می‌شود و ما در این مقاله به همین مقدار بسنده می‌کنیم (بغوی، 1414: 4/213؛ ابن عطیه، 1992: 5/182؛ قرطبی، 1405: 5/182).

55/17 و 223/19؛ مراغی، 1998: 13/27؛ زمخشری، 1361: 704/4؛ ابن کثیر، 1403: 504/4؛ سیوطی، 1403: 422/8؛ خازن بغدادی، بی‌تا: 354/4؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: 230/13).

2. روش تفسیر روایی (قرآن به سنت)

از تفسیر قرآن در پرتو روایات رسیده از معصومان با عنوان تفسیر روایی، نقلی، و گاه اثری یاد می‌کنند (سبحانی، بی‌تا: 153؛ سیفی، 1386: 108).

در تفسیر کلام خداوند پس از قرآن - که نخستین مأخذ تفسیر و گران‌مایه‌ترین ابزار فهم آیات الهی است - سنت از جایگاه خاصی برخوردار است، زیرا پیامبر (ص) بیش از هر فرد دیگر به تفصیل مجمل و بیان مشکلات کتاب خداوند آگاه است (شاطبی، 1395: 4/4؛ مؤدب، 1380: 182).

از دیدگاه شیعه امامیه، «سنت» یعنی قول، فعل، و تقریر معصوم (ع)، نقش اساسی در فهم و تفسیر قرآن دارد و این بزرگواران حدیث خود را سخن جدشان رسول خدا دانسته‌اند (کلینی، 1361: 1/5؛ مجلسی، 1358: 2/178؛ اربلی، 1381: 2/170). از این رو برخی عالمان شیعه بر این باورند که تفسیر قرآن، جز با حدیث صحیح پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) - که سخن ایشان همچون کلام پیامبر حجت است - جایز نیست (طوسی، 1409: 1/4؛ مؤدب، 1386: 93). در این جا به ذکر مثال‌هایی از تفسیر روایی امام علی (ع) بسنده می‌کنیم.

از امام علی (ع) روایت شده که رسول‌الله، شقی‌ترین مردم در آیه «اذ انبعث اشقاها» (الشمس: 12) را دو نفر معرفی کرد: «کسی که ناقه صالح را پی کرد و کسی که علی را به شهادت رساند» (بغوی، 1414: 2/20؛ قرطبی، 1405: 4/192 و 78/29). در این روایت، امام علی (ع) با استناد به سخن رسول خدا مصداق خاص «اشقی الناس» را بیان می‌فرماید و می‌توان گفت که روایت را در بیان مصداق به کار برده‌اند.

امام علی (ع) از رسول خدا نقل می‌کند که فرمود: با فضیلت‌ترین آیه قرآن این است: «و ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم و یعفو عن کثیر» (شوری: 30). سپس رسول خدا آن را برای ما تفسیر کرد و فرمود که: یا علی، هیچ مرض یا عقوبت و یا بلایی در دنیا به شما نمی‌رسد مگر به واسطه آنچه کسب کرده‌اید، خداوند گرامی‌تر از آن است که

برایتان بلایی بفرستد و گرامی‌تر از آن است که آنچه را در دنیا عفو نموده بعد از عفویش برگرداند (مراغی، 1998: 25/48؛ الوهبه الزحیلی، 1991: 25/7؛ ثعالبی، 1416: 4/112؛ سیوطی، 1403: 7/254؛ ابن کثیر، 1403: 6/205؛ قرطبی، 1405: 16/30؛ مظهری، 1425: 8/267؛ شوکانی، بی‌تا، 4/620).

3. روش تفسیر لغوی (تبیین واژگان)

شماری از روایت تفسیری امام علی (ع) این گونه است که در تبیین آیات، فقط یک واژه یا برخی از واژگان آیه را معنی کرده است. این روش غالباً در مواردی به کار رفته که ظاهر آیه، روشن به نظر آمده و گویی مخاطب نیازی به توضیح بیشتر نداشته است، بلکه با بیان معنی واژگان دشوار، مفهوم آیه برایش آشکار شده است. در واقع، این گونه روایات حکم ترجمه را دارند (رستمی، 1380: 190).

لازم به ذکر است که تبیین واژگان قرآن خود به گونه‌های مختلفی در کلام امام نمود یافته که برخی از آن‌ها به شرح ذیل است.

1.3 بیان توصیفی

در این شیوه، امام علی (ع) معنای واژه را توضیح می‌دهد. این روش را می‌توان در تفسیر آیات متعددی یافت که در آن‌ها خداوند به اوصاف متقین و مؤمنان می‌پردازد.

از امام علی (ع) ذیل آیه «ان الدین عندالله الاسلام» (آل عمران: 19) روایت شده که فرمود: «الاسلام هو التسليم و التسليم هو اليقين و اليقين هو التصديق و التصديق هو الاقرار و الاقرار هو الاداء و الاداء هو العمل: اسلام تسليم است و تسليم يقين و يقين تصديق و تصديق اقرار و اقرار اداء و اداء عمل است» (مراغی، 1998: 3/120؛ آلوسی، بی‌تا: 3/106).

گفتنی است در این بیان امام هم‌زمان با توضیح و توصیف اسلام، به غایت آن هم نظر داشته است که می‌توان آن را تلفیقی از بیان توصیفی و بیان غایی دانست.

2.3 بیان ظاهری

در این روش، امام با استناد به اصول ادبیات عرب و اصول عقلانی محاوره به بیان ظاهری کلمات می‌پردازد.

از امام علی (ع) در معنی «مشید» در آیه «قصر مشید» (حج: 45) روایت شده که ایشان آن را به «گچ و ساروج» تبیین کرد (ابن کثیر، 1403: 4/652)، از معنای رعد سؤال شد، امام علی (ع) فرمود که این نزد عرب معلوم بوده و آن را می‌شناخته، سپس به شعر گنبد استناد می‌کند که گفت: فجعنی الرعد و الصواعق بال/ فارس یوم الکریمۃ النجد (قرطبی، 1405: 2/192). رعد و صاعقه در آن روز کریم و بزرگوار (بارانی) درحالی که سوار بر اسب بودم، مرا ترساند.

3.3 بیان مصداقی

در این شیوه، امام به ذکر مصداق یا مصداق واژه می‌پردازد. مثلاً از امام علی (ع) در معناشناسی «هباء» مصداق متعددی چون «الشمس التي یخرج من الکوة: نوری که از روزنه‌ای خارج می‌شود»، یا «ریح الغبار یسطح ثم یدهب فلا یبقی منه شیء: غباری که بلند شده و فروکش کرده» بیان شده است (سیوطی، 1403: 6/246، 8/5؛ شوکانی، بی‌تا: 6/83، 5/181؛ آلوسی، بی‌تا: 19/7؛ ابن کثیر، 1403: 5/144؛ ابن الجوزی، 1384، 5/395؛ ابوالسعود، بی‌تا، 1/219؛ الثوری، 1983: 179).

4.3 بیان تمثیلی

تمثیل از نظر علما، انتزاع محسوس یا نامحسوس از یک مفهوم است که نوعی تشبیه به‌شمار می‌رود (هاشمی، 1371: 236). در بیان امام علی (ع) این شیوه تفسیری هم وجود دارد. مثلاً از ایشان ذیل آیه «ان یأتیکم التابوت فیہ سکینة» (بقره: 248) روایت شده که فرمود: «السکینة ریح هفاقة لها وجه کوجه الانسان: باد آرام‌بخشی که صورتی همچون انسان دارد» و در حدیث دیگری «ریح هفاقة لها صورة: باد آرام‌بخشی که صورت دارد» (طبری، 1406: 2/558). این تبیین حضرت از قسم تمثیل است و طبری هم پس از بیان معنی لغوی «سکینه» می‌گوید: «اگر معنی سکینه این باشد که گفتم، پس آنچه علی (ع) گفته جایز است» (همان).

در معناشناسی واژگان موارد گوناگون دیگری از امام علی (ع) به چشم می‌خورد که بحث مستقلاً می‌طلبند (طبری، 1406: 2/18؛ ابن کثیر، 1403: 7/8، 4/652؛ شوکانی، بی‌تا: 1/209؛ بغوی، 1414: 1/249).

4. روش تفسیر عقلی - کلامی

امام علی (ع) گاهی در تفسیر آیات قرآن - به ویژه آیاتی که مربوط به عقاید و اثبات توحید و یگانگی خداوند است - از براهین، اصول، و قواعد عقلی استفاده کرده و ضمن روشن کردن معنای آیه شک و ابهام را از آن زدوده است (علوی مهر، 1381: 138). و امروزه این شیوه را «روش تفسیر کلامی» می نامند.

1.4 اسماء و صفات الهی

برخی از روایت تفسیری امام علی (ع) به بیان اوصاف الهی اختصاص دارد، از جمله: ذیل آیه «له مقالید السموات و الارض» (زمر: 63) از امام علی (ع) روایت شده که ایشان «کلیدهای آسمان و زمین» را ذکر این صفات خدا دانسته اند: «لا اله الا الله، الله اکبر، سبحان الله و الحمد لله و استغفرالله و لا قوة الا بالله، الاول و الآخر، و الظاهر و الباطن، له الملك و له الحمد بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر» (قرطبی، 1405: 15 / 275). از این روایت برمی آید که امام کلید باز شدن درهای آسمان را یاد کرده است. این صفات خداوند و در حقیقت، ستودن خدای عزوجل به این صفات، درست بدین خاطر است که امام «کلمة تقوی» در آیه «والزمهم کلمة التقوی» (فتح: 26) را کلمة توحید یعنی «لا اله الا الله» می داند (شوکانی، بی تا: 5 / 18).

در ذیل آیه «و لهدیناهم صراطاً مستقیماً: قطعاً آنان را به راهی راست هدایت می کردیم» (نساء: 68)، در بحث هدایت، عبادت، و رؤیت خداوند، شخصی از ایشان می پرسد: آیا خدای را دیده ای؟ می فرماید: «لم أعبد رباً لم اره: من خدایی را که نیستم عبادت نمی کنم» (ألوسی، بی تا: 5 / 76) و ادامه می دهد چشم ها خدا را نمی بینند ولی قلب ها او را با حقایق ایمان درمی یابند. همو در جای دیگر می فرماید: «خداوند عزیزتر از آن است که دیده شود و ظاهرتر از آن است که مخفی شود» (شهرستانی، 1376: 1 / 215).

امام علی (ع) مردم را از حد و حدود قائل شدن برای خداوند منع می کرد و می فرمود: وسائل خودشان را محدود می کنند و آلات به نظایر خود شناخته می شوند و خدای را نمی شناسد مگر خدای عزوجل (ألوسی، بی تا: 14 / 210).

2.4 عصمت انبیا

از امام علی (ع) در پاکی انبیا روایات بسیاری وارد شده است، از جمله ذیل آیه ای که حضرت سلیمان را به کاهلی در نماز و قطع دست و پاهای اسبها متهم می سازد (ص: 32)

می‌فرماید: «ان الانبياء و الله لا يظلمون لأنهم معصومون: قسم به خدا انبیاء الهی ظلم نمی‌کنند، زیرا آنان معصوم‌اند» (قرطبی، 1405: 15/196). امام در حدیثی در باب متنبه ساختن زلیخا توسط یوسف آورده که «یوسف درحالی که زلیخا مشغول پوشاندن بت بود و از آن حیا داشت، گفت: چگونه می‌شود که از خدای عزوجل حیا نکنیم» (همان).

3.4 احتجاج به آیات قرآن

امام علی (ع) گاه در بیان حقانیت اهل بیت (ع) به آیات قرآن استدلال می‌کرد. ایشان ذیل آیه مودت می‌فرماید: «لنا فی آل حم آیه لم یحفظ مودتنا الا کل مؤمن، ثم قرأ: قل لا استلکم علیه اجراً الا المودة فی القربی: درباره ما «آل حم» آیه‌ای است که می‌گوید: دوستی ما را حفظ نمی‌کند مگر مؤمن؛ سپس آیه مودت را خواند» (ابن حجر الهیتمی، بی تا: 101، 136؛ قندوزی حنفی، 1422: 2/80؛ ابونعیم اصفهانی، 1410: 2/165).

همچنین آورده‌اند که امام علی (ع) در اثبات وصایت خود به آیه «اولوالامر» احتجاج کرد و جمعی از صحابه آن را تأیید کردند (جوینی، بی تا: 1/313).

4.4 قضا و قدر

ذیل آیه «و لو شاء الله ما اقتتل الذین من بعدهم» (بقره: 253) روایت شده که شخصی از امام درباره قضا و قدر سؤال کرد، امام گفت: «یا سائل، خدای تو را بیافرید چنان که خواست یا خواستی؟ گفت: خواست. پرسید: تو را برانگیزد چون خواهد یا خواهی؟ گفت: خواهد، تو را پشت خدا مشیت است یا فوق مشیت وی یا درون مشیت وی ... اگر گویی تو را با مشیت وی مشیتی است، مستغنی گردیده باشی با مشیت خدا». سپس در تفسیر «لا حول و لا قوة الا بالله» فرمود: «بنده قادر نبود بر طاعت خدا و وی را هیچ قوت نبود بر معصیت خدای عزوجل، اندر هر دو به جملگی وی را هیچ قوت نبود، مگر به خدای عزوجل. خدای عزوجل دردی را وارد کند، بیماری از وی و دارو از وی، آیا دانستی؟ گفت: بله» (اسفراینی، 1375: 1/287).

5. گونه‌های دیگر تفسیر

با بررسی روایات تفسیری امام علی (ع) به مواردی برخورد می‌کنیم که در آن امام با استفاده از مبانی علوم قرآنی، تاریخ، جری و تطبیق و مانند آن‌ها به تفسیر قرآن دست یازیده که

نمونه‌هایی از آن‌ها بیان می‌شود:

1.5 تفسیر با استفاده از مبانی علوم قرآنی

با تتبع در روایات تفسیری امام علی (ع) مشخص می‌شود که آن حضرت در برخی موارد با استفاده از مبانی علوم قرآنی آیات را تبیین کرده است:

1.1.5 تفسیر از راه بیان مقاصد حروف مقطعه

از امام علی (ع) درباره مقاصد حروف آغازین برخی سوره‌ها، که به «حروف مقطعه» معروف شده‌اند، مطالبی در منابع اهل سنت نقل شده که در آن‌ها امام به تفسیر و بیان هدف این حروف در حد و وسع مخاطب پرداخته است.

الف) نام‌های خداوند: یکی از نظریه‌ها در مقاصد حروف مقطعه این است که آن‌ها اسامی خداوندند. امام می‌فرماید: «الحروف المقطعة فی القرآن هی اسم الله الاعظم» (ابن عطیه، 1992: 82/1؛ ثعالبی، 1416: 30/1). امام در این حدیث شریف حروف مقطعه را اسم اعظم خدا دانسته که اگر مردم جمع و تألیف آن را می‌دانستند، هرگاه او را بدان می‌خواندند، اجابت می‌فرمود (ابن جوزی، 1383: 20/1). در حدیث دیگر منقول است که امام علی (ع) در یکی از جنگ‌ها خداوند را با نام «یا کهیعص و حم عسق» می‌خواند (بیضاوی، 1416: 93/1؛ ابن عطیه، 1992: 3/4؛ آلوسی، بی‌تا، 15/16). البته در چرایی این‌گونه خواندن خدا، بیضاوی و ابن عطیه سخنان دل‌نشینی گفته‌اند.

ب) نام‌های پیامبر: امام علی (ع) در حدیثی «طه و یس» را از نام‌های پیامبر می‌داند و می‌گوید که در قرآن هفت نام برای رسول‌الله (ص) ذکر شده است: «محمد، احمد، طه، یس، المزل، المدثر، عبدالله» (سیوطی، بی‌تا: 28/2؛ قرطبی، 1405: 5/15).

ج) علامت کلمات: در حدیثی امام در معنی «طسم» می‌فرماید «ط» درخت طوبی «سین» سدره المنتهی، و «میم» محمد است (قندوزی، 1422: 1/223). در حدیث دیگری امام علی (ع) از لسان رسول‌الله می‌فرماید که «ط» طور سینا، «سین» اسکندریه، و «میم» مکه است (قرطبی، 1405: 5/15).

د) گزیده قرآن: گروهی از علمای اهل سنت از امام علی (ع) روایت کرده‌اند که فرمود: «ان لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي: هر کتاب گزیده‌ای دارد و گزیده این

کتاب حروف مقطعه‌اند» (بغوی، 1414: 1/44؛ ابوالسعود، بی تا: 1/21).

ه) اسرار الهی: امام در تفسیری لطیف این حروف را از اسرار الهی می‌داند و می‌گوید: «هی سر الله فی القرآن» (قرطبی، 1405: 1/154؛ شوکانی، بی تا، 1/22). امام در این حدیث حروف مقطعه را از اسرار الهی دانسته که جزء متشابهات به‌شمار می‌روند و علم آن‌ها خاص خدا و راسخان در علم است، آن‌گاه می‌افزاید: «دوست ندارم درباره‌اش صحبت کنم، ولی بدان ایمان دارم».

با این بیان می‌توان گفت سخنان امام علی (ع) درباره حروف مقطعه، منشأ و سرچشمه آرای پژوهشگران شده است که هرکدام به وسع خود از آن بهره برده‌اند.

2.1.5 تفسیر از راه تبیین مجمل

یکی دیگر از گونه‌های تفسیر امام علی (ع) بیان اجمال آیات و کلمات قرآن است. سیوطی در نوع چهل و ششم *الاتقان* برای اجمال آیات اسبابی چند را برمی‌شمرد که عبارت‌اند از: اشتراک، حذف، اختلاف مرجع ضمیر، احتمال عطف و استیناف و غیره (سیوطی، بی تا: 3/60 - 59).

امام علی (ع) در روش‌های تفسیر خود گاه به تبیین مجملات همت گماشته که نمونه‌های ذیل از آن جمله است.

الف) تبیین قولی

1. تبیین باطنی لفظ مجمل: از امام علی (ع) ذیل آیه «فویل للذین یکتبون بایدیهم ... و ویل لهم مما یکسبون» (بقره: 79) روایت شده که فرمود: «الویح و الویل بابان، فاما الویح فباب رحمة و اما الویل فباب عذاب: ویح و ویل دو در هستند، ویح در رحمت است و ویل در عذاب» (سیوطی، 1403: 1/202).

2. بیان چرایی تسمیه: از امام علی (ع) در علت تسمیه «عرفات» بدین نام سؤال شد، فرمود: «بعث الله جبرئیل الی ابراهیم - صلی الله علیهما - حتی اذا اتی عرفات قال عرفت و کان قد اتاها من قبل ذلک و لذلک سمیت عرفه: خداوند جبرئیل را به سوی ابراهیم فرستاد تا به «عرفات» رسید گفت شناختی؟ درحالی که قبلاً هم آن‌جا آمده بود؛ بدین سبب عرفه نامیده شد (اسفراینی، 1375: 1/208؛ النحاس، 1409: 1/127؛ سیوطی، 1403: 1/536).

3. برطرف کردن غرابت لفظ: از امام علی (ع) در مورد مقدار «حُقب» سؤال شد، امام

فرمود: «هشتاد سال است که هر سال آن دوازده ماه و هر ماه سی روز و هر روز هزار سال است» (ابن کثیر، 1403: 7/ 199؛ سیوطی، 1403: 8/ 395). در همین راستا امام «مُزجاة» را «قلیل» معنا کرده است (قرطبی، 1405: 9/ 253).

همچنین از ایشان روایت شده که: «ذاریات» بادهای، «حاملات» ابرهای حمل کننده آب، «جاریات» کشتی‌ها، و «مقسمات» ملائکه‌اند (شوکانی، بی تا: 5/ 103؛ طبری، 1406: 26/ 187؛ سیوطی، 1403: 7/ 614؛ بخاری، بی تا: 3/ 48؛ قرطبی، 1405: 17/ 29؛ ابن کثیر، 1403: 6/ 412؛ ابن عطیه، 1992: 5/ 172).

4. برطرف کردن اشتراک لفظ: ذیل آیه «او یعفو الذی بیده عقدة النکاح» (بقره: 237) در این که مراد زوج است یا ولیّ دختر، لفظ دارای اشتراک است و امام می‌فرماید مراد «زوج» است (سیوطی، 1403: 1/ 669؛ النحاس، 1409: 1/ 223).

ب) تبیین عملی

گاه امام با عمل خود اجمال آیه را برطرف می‌کرد. روایت شده که امام نماز صبح خواند و سپس گفت: «هذا حين تبين الخيط الابيض من الخيط الاسود» (طبری، 1406: 2/ 174). این زمانی است که خداوند فرمود: [بخورید و بیاشامید] تا رشته سفید بامداد از رشته سیاه شب بر شما نمودار شود.

گفتنی است که موارد بسیاری از این نوع در کلام امام مشاهده می‌شود که به ذکر همین یک مثال بسنده کردیم (ابن کثیر، 1403: 5/ 12 و 6/ 29؛ آلوسی، بی تا: 6/ 140؛ سیوطی، 1403: 3/ 810 و 7/ 628؛ اسفراینی، 1375: 2/ 1019؛ طبری، 1406: 27/ 16، 88؛ ابن عطیه، 1992: 5/ 182؛ بغوی، 1414: 1/ 164).

3.1.5 تفسیر از راه بیان اسباب نزول

یکی از راه‌های فهم معنا و مقصود، توجه به شرایطی است که کلام در آن صادر شده است، برخی از آیات قرآن در زمان و مکان خاص و به علت و سببی نازل شده‌اند که آن را «سبب نزول» می‌نامیم (الزرقانی، 1988: 107). امام علی (ع) می‌فرماید: «والله لم تنزل آية الا وانا اعلم فيم نزلت و فيم نزلت و این نزلت: قسم به خدا هیچ آیه‌ای نازل نشد مگر آن که می‌دانم درباره چه کسی، چه چیزی و در کجا نازل شده است» (قرطبی، 1405: 1/ 35؛ ابونعیم اصفهانی، 1407: 1/ 67 - 68؛ ابن حجر الهیتمی، بی تا: 76؛ حسکانی، 1393: 1/ 45؛

ابن سعد، بی تا: 2/338؛ خوارزمی، بی تا: 46؛ سیوطی، بی تا: 2/493؛ الزرقانی، 1998: 2/13. برای همین، امام علی (ع) را می‌توان آگاه‌ترین فرد به اسباب نزول دانست. ایشان در مواردی چند از همین علم برای تفسیر آیه کمک می‌گیرند، که نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم.

- از امام علی (ع) ذیل «یا ایها الذین آمنوا لا تسئلوا عن اشیاء إن تبدلکم تسؤکم» (مائده: 101) روایت شده که چون آیات حج نازل شد، مردم از رسول‌الله (ص) پرسیدند که آیا حج هر ساله واجب است؟ حضرت سکوت کرد. دوباره پرسیدند، حضرت گفت: نه، اگر می‌گفتم بله واجب می‌شد، سپس این آیه نازل شد (سیوطی، 1410: 157؛ حاکم نیشابوری 1342: 2/294؛ واحدی، 1419: 121؛ العک، 1417: 140). ایشان در حدیث دیگری نزول آیه «ولکن الظالمین بآیات الله یجحدون» (انعام/33) را درباره ابوجهل می‌دانند (سیوطی، 1410: ص 160؛ حاکم نیشابوری، 1342: 2/315؛ مراغی، 1998: 110/7؛ ترمذی، 1194: 3064). موارد بسیار دیگری نیز از نقل اسباب نزول در کلام حضرت دیده می‌شود که به همین مقدار بسنده می‌کنیم (← الوهبة الزحیلی، 1991: 10/48؛ مراغی، 1998: 18/105؛ شوکانی، بی تا: 2/13 و 298/4/20؛ سیوطی، 1410: 104/1 و 105 و 126 و 157 و 160 و 206 و 378 و 546/2، 104/3-106 و 207 و 263 و 457 و 43/4؛ ابوزرعه، 1402: 247).

2.5 تفسیر همراه با بیان مسائل تربیتی - هدایتی

بخش مهمی از روایات امام علی (ع) به این قسم اختصاص دارد، زیرا از اغراض اصلی قرآن و فرستادن پیامبران هدایت و تربیت مردم است. امام که «هادی» است در ضمن آیات قرآن - با توجه به فضای حاکم - نکات هدایتی را بیان می‌کند.

الف) توبه و استغفار

امام خطاب به شخصی که با سرعت در حال استغفار بود، فرمود: «إن سرعة اللسان بالاستغفار توبة الكذابين و توبتك تحتاج الى التوبة: سرعت زبان در استغفار، توبه دروغگویان است و توبه تو، توبه لازم دارد» (مراغی، 1998: 25/42؛ الوهبة الزحیلی، 1991: 25/66؛ مظهری، 1425: 8/264؛ آلوسی، بی تا: 25/36). در ادامه روایت آمده که مرد گفت: یا امیرالمؤمنین، توبه چیست؟ فرمود: توبه اسمی است که شش مرحله دارد: پشیمانی از گناه گذشته، اعاده واجبات ضایع شده، رد مظالم، چشاندن سختی طاعت به نفس همچنان که

شیرینی معصیت را به آن چشانده‌ای، آزدن بدن در راه طاعت، گریستن عوض خنده بی‌جا. به همین سبب ایشان در جای دیگر می‌فرماید: دوست‌داشتنی‌ترین آیه قرآن برایم این آیه است: «ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک» (نساء: 48) (ابن کثیر، 1403: 6/205؛ قرطبی، 1405: 16/30؛ ترمذی، 1194: 4/313). امام با این بیان‌ها از طرفی توبه واقعی را می‌آموزد و از طرف دیگر به بخشندگی خداوند اشاره می‌کند. در حدیث دیگری امام می‌فرماید: «قرآن را از اول تا آخر خواندم و هیچ آیه‌ای نیکوتر، امیدوارکننده‌تر و وسیع‌تر از این آیه ندیدم: قل یا عباد الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً» (قرطبی، 1405: 10/225؛ طبری، 1406: 16/26؛ شوکانی، بی‌تا: 4/542).

امام ضمن آن‌که به رحمت و اسعه خدا اشاره می‌کند، می‌فرماید که هر گناهی جز شرک در پیشگاه خداوند بخشودنی است.

(ب) ترغیب به صبر

امام علی (ع) می‌فرماید: «الصبر من الایمان بمنزلة الرأس من الجسد، الم تسمع قوله و جعلنا منهم ائمة یهدون بأمرنا لما صبروا: صبر ایمان را همچون سر است بدن را. آیا این کلام خداوند را نشنیده‌ای که فرمود: «چون صبر کردند آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کنند» (ابن کثیر، 1403: 5/416؛ ابن تیمیه، 1393: 1/211).

همو در حدیث دیگری از زبان رسول‌الله (ص) می‌فرماید: «قال رسول الله: الصبر ثلاثة اقسام، فصر علی المصیبة و صبر علی الطاعة و صبر علی المعصیة: صبر سه قسم است، صبر در مقابل مصیبت، صبر بر طاعت و صبر در نگه‌داشتن نفس از معصیت» (شوکانی، بی‌تا: 1/55).

روایات هدایتی - تربیتی امام خود گونه‌شناسی مستقلی می‌طلبد که به همین مقدار بسنده می‌کنیم (← مظهری، 1425: 2/366 - 368؛ 8/105؛ الوهبة الزحیلی، 1991: 23/159؛ سیوطی، 1403: 7/141؛ مراغی، 1998: 30/239؛ قرطبی، 1405: 2/154، 6/74؛ شوکانی، بی‌تا: 1/92، 2/329، 4/380؛ آلوسی، بی‌تا: 5/66، 11/188، 14/183؛ ابن کثیر، 1403: 1/249، 3/30 و 140؛ 5/507، 11/271؛ اسفراینی، 1375: 2/1211).

3.5 تفسیر همراه با اشارت هستی‌شناسانه

گاه در روایات تفسیری امام علی (ع) اشاراتی هستی‌شناسانه ملاحظه می‌شود که گرچه

هدف اصلی آن‌ها بیان بُعد هدایتی قرآن است، اما در برخی موارد مباحثی است که انسان‌های آن روزگار را راهی برای فهم حقیقی آن‌ها نبوده است، از جمله:

در ذیل آیه «فلا اقسام برب المشارق و المغرب» (معارج: 40) از امام علی (ع) روایت شده که فرمود: «برای مشرق 360 درجه و برای مغرب 360 درجه است، هر درجه مشرقی دارد که مقابل آن در طرف دیگر زمین، مغرب قرار گرفته است». گویند: «پیش از امام علی (ع) این سخن از کسی شنیده نشده است و پس از قرن‌ها اروپاییان کرویت زمین را کشف کرده‌اند» (هدی جاسم، 1372: 101).

از امام علی (ع) در تفسیر آیه «فلا اقسام بالخنس، الجوار الكنس» (تکویر/ 15 - 16) روایت شده که فرمود: «هی الكواكب الخمسة الدراری، زحل و المشتري و المريخ و الزهرة و عطارد: آن‌ها پنج ستاره‌اند، زحل، مشتری، مریخ، زهره و عطارد» (قرطبی، 1405: 19/236). گفتنی است که دیدگاه اقوی و مشهور میان مفسران نیز همین است.

این پنج ستاره را «نجوم متحیر» می‌نامند و علامه طباطبایی می‌گوید: «مناسب‌ترین و منطبق‌ترین دیدگاه با صفات یادشده در آیه همان سیارات متحیره، یعنی: زحل، مشتری، مریخ، زهره، و عطارد است، زیرا دارای استقامت و بازگشت هستند و جریان دارند (طباطبایی، 1393: 20/217). مرحوم طبرسی هم همین نظر را تأیید می‌کند (طبرسی، 1408: 1/677). باید یادآور شد که بیان امام تفسیری هستی‌شناسانه از آیه در جهت بُعد هدایتی آن است نه صرفاً تفسیر علمی.

4.5 استفاده از جری و تطبیق در تفسیر قرآن

«جری» در لغت به معنای روان شدن و جریان داشتن است (قرشی، 1375: 2/30) و به این معنا تعبیری است که خود ائمه برای بیان استمرار قرآن در همه زمان‌ها به‌کار برده‌اند (مجلسی، 1404: 23/79) و مراد از آن انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی است غیر از آنچه درباره آن‌ها نازل شده است، یعنی از مخاطبان اولیه خود تجاوز کرده و بر افرادی که در قرن‌های بعد می‌آیند، منطبق می‌شود (طباطبایی، 1417: 1/44، میرباقری، 1380: 236).

در روایات، الفاظ و آیات بسیاری از قرآن بر پیامبر (ص) و ائمه (ع) و مخالفان آن‌ها انطباق یافته است. ادله‌ای که جری و تطبیق در روایات تفسیری را تأیید می‌کند، متعدد است. پاره‌ای از آن‌ها خود اخبار جری می‌باشند که در آن‌ها بر دائمی بودن احکام و معارف

قرآن و استمرار خطاب قرآن به مصادیق جدید تأکید شده است (شاکر، 1376: 149). این شیوه نیز اقسام و مراتب گوناگونی دارد و غالب موارد جری و تطبیق امام از قسم «مصدق عام» است.

الف) از امام علی (ع) ذیل «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالاً» (کهف: 103) سؤال شد، ایشان در جایی مصداق آن را «فاجران قریش» و در حدیث دیگر «خوارج» می‌داند (شوکانی، بی تا: 3/ 374؛ سیوطی، 1403: 5/ 465؛ ثوری، 1983: 1/ 179؛ ابن عطیه، 1992: 3/ 545) و چون از چرایی آن سؤال می‌کنند، امام می‌فرماید: «تتشمّل الحروریة کما تشتمّل اليهود والنصارى: این آیه همچنان که یهود و نصاری را شامل می‌شود، خوارج را هم شامل می‌شود» (ابن کثیر، 1403: 4/ 429). امام در بیانی دیگر «ابن الکواء» منافق را از مصادیق آیه خوانده است (طبری، 1406: 16/ 34).

با این بیان مشخص شد که امام بسته به شرایط و اوضاع حاکم، هر زمان مصداقی از مصادیق عام آیه را بیان کرده است.

ب) امام در تفسیر آیه «الم تر الى الذین بدلوا نعمة الله کفراً و احلوا قومهم دار البوار» (ابراهیم: 28) این مصادیق را برای آیه بیان کرده است: فاجران قریش، یعنی بنی مغیره و بنی امیه؛ فاجران بنی سعد و بنی مخزوم؛ کفار قریش در روز جنگ بدر، و منافقان قریش (طبری، 1406: 13/ 220 - 221؛ مظهری، 1425: 5/ 135؛ شوکانی، بی تا: 3/ 133؛ ابن کثیر، 1403: 4/ 127؛ ثوری، 1983: 1/ 157؛ ابن عطیه، 1992: 3/ 337).

این نوع در کلام امام کاربرد بسیاری دارد.

5.5 تفسیر از راه شرح جریان تاریخی

یکی از راه‌هایی که قرآن برای هدایت بشر به کار گرفته، بیان جریان‌های تاریخی و سرگذشت ملل پیشین است. خداوند رهاورد این شیوه را آشنایی مردم با سرنوشت گذشتگان و پندگرفتن از آن می‌داند، آن‌جا که می‌فرماید: «لقد کان فی یوسف و إخوته آیات للسائلین» (یوسف: 7).

استفاده امام علی (ع) از تاریخ فراگیر بوده و حضرتش از سرگذشت پیشینیان برای توضیح و تبیین آیات قرآن بهره گرفته است که از آن میان نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم.

الف) جریان ذوالقرنین

امام علی (ع) در پاسخ «ابن الکواء» می‌فرماید که: «ذوالقرنین نه فرشته بود، نه پیامبر، بلکه بنده‌ای نیکوکار بود که در راه اطاعت خداوند ضربه‌ای بر فرق راست او وارد شد». سپس فرمود: «امروز مثل او در میان شماست» که ظاهراً مراد خود حضرت بوده است (زمخشری، 1361: 2/ 497؛ شوکانی، بی‌تا: 3/ 366؛ ابن عطیه، 1992: 3/ 538).

ب) جریان توبه قوم موسی (ع)

ذیل آیه (بقره: 54) این جریان به تفصیل از زبان امام علی (ع) بیان شده است (سیوطی، 1403: 1/ 169؛ بغوی، 1414: 1/ 43).

ج) جریان اصحاب اخدود

از امام علی (ع) ذیل سوره بروج نقل شده که مردمانی ساکن یمن بودند، که ابتدا در آن جا مؤمنان حاکم بودند و سپس کفار بر آنان مسلط شدند (طبری، بی‌تا: 30/ 132؛ سیوطی، 1403: 8/ 465؛ آلوسی، بی‌تا: 3/ 88؛ بغوی، 1414: 4/ 439؛ شوکانی، بی‌تا: 5/ 506).

د) جریان آزار موسی

امام علی (ع) ذیل آیه «یا ایها الذین آمنوا لا تکنوا کالذین ادوا موسی» (احزاب: 69) این جریان را بیان می‌کنند (طبری، بی‌تا: 9/ 155، 22/ 52؛ قرطبی، 1405: 14/ 251؛ ابن کثیر، 1403: 5/ 520؛ بغوی، 1414: 2/ 21؛ ابن عطیه، 1992: 4/ 401؛ الوهبة الزحیلی، 1991: 22/ 123؛ سیوطی، 1403: 6/ 666).

ه) جریان پیامبر حبشی

ذیل آیه «و رسلاً قل قصصناهم علیک من قبل و رسلاً لم نقصصهم علیک» (نساء: 164) و «و لقد ارسلنا رسلاً من قبلک منهم من قصصنا علیک و منهم من لم نقصص علیک» (غافر: 78) از امام علی (ع) روایت شده که خداوند پیامبری حبشی را مبعوث کرد، اما آن حضرت بر جزئیات بیشتر اشاره نفرمود. آلوسی می‌گوید:

هل يقول باب مدینه العلم علی (ع) علم لم یقص علیه من تلک المدینه حاشا ثم حاشا: آیا باب شهر علم پیامبر، علی از علمی سخن می‌گوید که خبری از آن شهر برای وی بازگو نشده باشد؟ هرگز چنین نیست! (آلوسی، بی‌تا: 24/ 87؛ طبری، بی‌تا: 24/ 86).

یعنی اخبار آن شهر بر علی (ع) بازگو شده و سپس او آن را بیان فرموده است. این روایت

را سیوطی ذیل سوره بروج و داستان اصحاب اخذود نقل می‌کند (سیوطی، 1403: 8/466).

6.5 تفسیر قرآن با استفاده از تمثیل

یکی از دلنشین‌ترین و مفیدترین راه‌های القای مطلب به مخاطب، به‌کارگرفتن تشبیه و تمثیل است. تشبیه از ارزنده‌ترین و برترین انواع بلاغت است. تمثیل در اصطلاح عبارت است از پدیدآوردن مماثلت و مشارکت میان دو شیء در یکی از اوصاف و ویژگی‌ها که هدف از آن اظهار مطالب مشکل در قالب عبارات روشن و خارج‌ساختن آن از ابهام به مرحله روشنایی و وضوح است، خواه دو طرف تشبیه محسوس، یا معقول و یا متفاوت باشد (ابن‌ناقی، 1374: 205).

امام گاه در بیان معنای آیه به تمثیل رو می‌آورد که شیوه معمول قرآن است.

(الف) از امام علی (ع) ذیل آیه «ثم کلی من کل الثمرات فاسلکی سبل ربک ذللاً یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه» (نحل: 69) روایت شده که ایشان دنیا را در پستی، فرومایه‌تر از خوک مرده یا سگ در دست جذامی می‌داند (آلوسی، بی‌تا: 80/25). امام با این بیان پست‌بودن دنیا را به تصویر می‌کشد. در حدیث دیگری امیرالمومنین علی (ع) شریف‌ترین لباس فرزند آدم را تار کرم ابریشم و شریف‌ترین نوشیدنی او را قی زنبور می‌داند، که این خود حکایت از پستی دنیا است: «یؤید المشهور ماروی عن الامیر علی - کرم الله وجهه - فی تحقیر الدنیا: اشرف لباس ابن آدم فیها لعاب دودة و اشرف شرابه رجیع نحل» (آلوسی، بی‌تا: 14/183؛ اسفراینی، 1375: 2/1211).

(ب) ذیل آیه «و یسئلونک عن الروح» (اسراء: 85) روایت شده که امام فرمود: «هو ملک من ملائکة له سبعون الف وجه و لكل وجه منها سبعون الف لسان...: روح، فرشته‌ای است که هفتاد هزار روی دارد و هر روی او هفتاد هزار زبان...» (سیوطی، 1403: 5/331؛ اسفراینی، 1375: 1/1285). در این روایت، برای ملموس شدن مطلب، امام «روح» را به انسان تشبیه می‌کند که روی و زبان دارد و این نوعی تشبیه معقول به محسوس است.

(ج) امام در تفسیر آیه «فأما الذین آمنوا» (توبه: 124) ایمان را به نقطه سفیدی در قلب تشبیه کرده که هرگاه زیاد شود آن نقطه سفید هم زیاد می‌شود تا سرتاسر قلب سفید و روشن شود، و نفاق را به لکه سیاهی تشبیه کرده که چون زیاد شود، سرتاسر قلب را سیاهی فرامی‌گیرد (بغوی، 1414: 2/287).

نتیجه‌گیری

روایات تفسیری امام علی (ع) در مصادر اهل سنت نیز نقل شده است: وصی پیامبر قرآن را به گونه‌ها و روش‌های مختلف تبیین کرده و چراغ راه پویندگان حق و حقیقت شده است. ایشان زمانی قرآن را به نطق درآورده و به شیوه «قرآن به قرآن» به تبیین آن دست یازیده است. گاه در مقابل کژاندیشان به بیان مصداق واقعی آیات پرداخته و راه را بر تفکرات انحرافی می‌بندد. امام (ع) در مواجهه با کسانی که جوایب سنت نبوی‌اند، کلام خود را مستند به سخن پیامبر (ص) می‌کند و گاه به نکته‌ای هستی‌شناسانه از قرآن اشاره می‌کند و زمانی با تشبیهی زیبا چهره از ظاهر آیات برمی‌دارد. آن حضرت در موضعی با ذکر سبب نزول، آیه را تبیین می‌کند و گاهی با یادکرد مقاصد حروف مقطعه، آیات را تفسیر می‌کند و این همه فقط بخشی از احادیث آن امام است که در منابع اهل سنت آمده است.

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، شهاب‌الدین محمود (بی‌تا). *روح المعانی*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد (1384ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: مکتبه الاسلامی.
- ابن تیمیه، تقی‌الدین احمد (1392ق). *مقدمه فی اصول التفسیر*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن تیمیه، تقی‌الدین احمد (1393ق). *دقایق التفاسیر*، گردآورنده محمد سید جلیند، بیروت: دارالمغرب الاسلامی.
- ابن حجر الهیثمی، احمد (بی‌تا). *الصواعق المحرقة*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (بی‌تا). *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن سعد (بی‌تا). *طبقات الکبری*، بیروت: دارالفکر.
- ابن عطیه (1992م). *تفسیر المحرر الوجیز*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن ناقیا، عبدالله بن محمد (1374ش). *الجمان فی تشبیهات القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل (1403ق). *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالفکر.
- ابوالسعود العمادی، محمد بن محمد (بی‌تا). *ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ابوزرعه، عبدالرحمن بن محمد (1402ق). *حجة القراءات*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابونعیم اصفهانی (1407ق). *حلیة الاولیاء*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابونعیم اصفهانی (1410ق). *تاریخ اصفهان*، تحقیق سید کسروی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- اربلې، على بن عيسى (1381ق). *كشف الغمة في معرفة الائمة*، تبريز: بنى هاشمى.
- اسفراينى (1375ش). *تفسير تاج التراجم*، تهران: علمى و فرهنگى.
- بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل (بى تا). *صحيح بخارى*، بيروت: داراحياء التراث العربى.
- بغوى، ابو محمد الحسين بن مسعود (1414ق). *معالم التنزيل*، بيروت: دارالكتب العلمية.
- بيضاوى، عبدالله بن عمر (1416ق). *انوار التنزيل و اسرار التأويل*، بيروت: دارالفكر.
- بيهقى، احمد بن حسين بن على (1411ق). *سنن الكبرى*، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ترمذى، محمد بن عيسى بن سوره (1194ق). *الجامع الصحيح*، بيروت: دارالفكر.
- ثعالبي، ابوزيد عبدالرحمن بن محمد (1416ق). *الجواهر الحسان*، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ثورى، ابى عبدالله بن سعيد بن مسروق (1983م). *تفسير ثورى*، بيروت: دارالكتب العلمية.
- الجوينى، ابراهيم (بى تا). *فراعد السمطين*، بيروت: مؤسسة المحمودى.
- حاكم نيشابورى، ابو عبدالله (1342ق). *المستدرک على الصحيحين*، بيروت: دارالمعرفة.
- حسكانى، عبیدالله بن احمد الحنفى (1393ق). *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، تحقيق محمد باقر المحمودى، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
- خازن بغدادى، على بن محمد (بى تا). *لباب التأويل فى معانى التنزيل*، بيروت: دارالمعرفة.
- خوارزمى، الموفق بن احمد (بى تا). *مناقب الامام على*، تحقيق الشيخ المحمودى، بيروت: مؤسسة المحمودى.
- رستمى، على اكبر (1380ش). *آسيب شناسى و روش شناسى تفسير معصومان عليهم السلام*، تهران: چاپ حيدرى.
- الزرقانى، عبدالعظيم (1988م). *مناهل العرفان فى علوم القرآن*، بيروت: دارالفكر.
- زمخشري، محمود بن عمر بن محمد بن احمد (1361ق). *الكشاف*، بيروت: دارالكتاب العربى.
- سبحانى، جعفر (بى تا). *مناهج التفسير فى علوم القرآن*، قم: مؤسسة الامام الصادق.
- سيفى، على اكبر (1386ش). *دروس تمهيدية فى القواعد التفسيرية*، قم: مؤسسه نشر اسلامى.
- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن (1410ق). *لباب القول فى اسباب النزول*، تحقيق بديع السيد لحام، بيروت: دارالهجرة.
- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن (1403ق). *در المنثور فى التفسير بالمأثور*، بيروت: دارالفكر.
- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن (بى تا). *الاتقان فى علوم القرآن*، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، منشورات شريف الرضى.
- شاطبى، ابراهيم بن موسى (1395ق). *الموافقات*، لبنان: دارالمعرفة.
- شاکر، محمد كاظم (1376ش). *روش های تأویل قرآن*، قم: دفتر تبليغات حوزه علميه.
- شوكانى، محمد بن على (بى تا). *فتح القدير الجامع بين الرواية و الدراية فى علم التفسير*، اعنى به يوسف الغوش، بيروت: دارالمعرفة.
- شهرستانى، عبدالكريم (1376ش). *مفاتيح الاسرار و مصابيح الابار*، تحقيق آذرشب، شركة النشر و احياء الكتاب.
- طباطبايى، محمد حسين (1393ق). *الميزان فى تفسير القرآن*، تهران: دارالكتب الاسلامية.
- طباطبايى، محمد حسين (1417ق). *الميزان فى تفسير القرآن*، قم: جامعه مدرسين.

40 گونه‌ها و روش‌های تفسیر امام علی (ع) در روایات تفسیری اهل سنت

- طبرسی، فضل بن حسین (1408ق). مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (1406ق). جامع البیان فی تأویل آی القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
- طبری، محب‌الدین (1408ق). الرياض النضرة فی مناقب العشره، بیروت: دارالندوة الجدید.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی (1409ق). التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- العک، شیخ خالد عبدالرحمن (1417ق). جامع اسباب النزول، کراچی: قدیمی کتابخانه.
- علوی‌مهر، حسین (1381ش). روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه.
- عینی، محمد بن احمد بن موسی (1399ق). عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
- قرشی، سیدعلی اکبر (1375ش). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- قرطبی، ابوعبدالله بن احمد (1405ق). الجامع الاحکام القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- قندوزی الحنفی، ابراهیم (1422ق). ینابیع الموده لذوی القربی، تحقیق سیدعلی جمال اشرف الحسینی، قم: دارالاسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1361ش). اصول کافی، قم: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- مؤدب، سیدرضا (1380ش). روش‌های تفسیر قرآن، قم: اشراق.
- مؤدب، سیدرضا (1386ش). مبانی تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم.
- مالک بن انس (بی تا). الموطأ، مصر: داراحیاء الکتب العربیة.
- مجلسی، محمدباقر (1358ش). بحارالانوار، تهران: مکتبه الاسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (1404ق). بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مراغی، احمد المصطفی (1998م). تفسیر القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مظهری، القاضی محمد ثناءالله (1425ق). تفسیر المظهری، تحقیق احمد غرو عنایة، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- میرباقری، سیدمحسن (1380ش). ظاهر قرآن و باطن قرآن، تهران: رایزن.
- النحاس (1409ق). معانی القرآن الکریم، مکه المکرمة: جامعة ام القری.
- واحدی، ابوالحسن علی بن احمد (1419ق). اسباب النزول، بیروت: دارالکتب العربی.
- الوهبة الزحیلی (1991م). تفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، دمشق: دارالفکر.
- هاشمی، سیداحمد (1371ش). جواهر البلاغه، قم: مصطفوی.
- هدی جاسم (1372ق). المنهج الاثری فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی.
- هیثمی، نورالدین علی (1417ق). مجمع الزوائد و منهج الفوائد، بیروت: دارالکتب العربی.